

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۶.۰۸.۱۰

ادامه جدال بین "واواک" و "سی آی ای"

در گزارشی که گزارشگران پورتال فرستاده بودند و به تاریخ "۰۱.۰۸.۱۰" امکان نشر یافت، آمده بود که به دنبال فیصله به اصطلاح کابینه اداره مستعمراتی جلو نشر "تلویزیون امروز" که به وسیله "نجیب الله کابلی" اداره می شد و رقیب سر سخت تلویزیون "طلوع" مربوط به شیخ "آصف محسنی" به شمار می رفت، به اتهام تبلیغاتی که وحدت ملی افغانستان را آسیب می رسانید، گرفته شد. از آن تاریخ تا اکنون می بینیم که این موضوع به یک مسأله داغ بین عده ای از قلم به داستان بی اطلاع و یا مغرض در جامعه مبدل شده هیچ یک از آنها نمی خواهد تا با نشانه گرفتن هدف اصلی دست های پشت پرده را در این ماجرای رسوا نمایان بسازند. جالب آن است که برخی از نویسندگان اینجا و آنجا ضمن طرح بحث آزادی مطبوعات به "قرآن" اداره مستعمراتی یعنی قرارداد خایانه "بن" نیز پناه برده و می خواهند از آن طریق به قضیه برخورد نمایند. مشاهده چنین وضع اسفباری که مبین بیچارگی و درماندگی عده ای از قلم به داستان شبه روشنفکر و فقر بینش سیاسی آنها می باشد، این قلم را برآن داشت تا از دید خود اندکی به قضیه روشنی بیندازد، باشد آن عده که با نیت پاک راهی دوزخ استعمار اند متوجه اشتباه خویش گردیده بیشتر به دهل استعمار و ایادی آن خوش رقصی نکنند.

دوستانیکه زحمت مطالعه نوشته های این قلم را بر خود قبول دارند، به صورت حتم به خاطر دارند که چندی پیش یعنی به تاریخ ۱۵ جون ۲۰۱۰ از همین قلم نوشته ای در بخش سیاسی پورتال ضد استعماری و ضد استبدادی "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" زیر عنوان **تقابل "واواک" و "سی آی ای"** به نشر رسید که در آن ضمن توضیح برخورد های دونهاد تذکار یافته چنین آمده بود:

"واما اینکه دو طرف درگیری یعنی "واواک" و "سی آی ای" بعد از این زور آزمائی باز هم در عین مسأله همدیگر را به مبارزه خواهند طلبید و یا نه، در آینده دیده خواهد شد. تا جائیکه از قرائن برمی آید و سکوتی که در هر دو مورد مشاهده می شود نشان می دهد که گویا هر دو طرف به این نتیجه رسیده اند که نباید بیش از این جنگ خویش را در افغانستان انتقال دهند، چون به یقین هیچ یک از آنها برنده نخواهد شد."

گذشت زمان در افغانستان و منطقه نشان داد که آن سکوت به مفهوم انصراف دایمی آنها از جنگ به شمار نرفته بلکه آرامشی بود به خاطر تجدید قواء و آغاز جنگ مجدد. چنانچه به محض آنکه امپریالیزم جهانی و در رأس آن امپریالیزم جنایت گستر امریکا، خواست با استفاده از ضعف های حریف یعنی "واواک"، آن نهاد خون آلود را در لبنان گوسمالی دهد، "واواک" نیز بیکار ننشسته به علاوه آنکه به وسیله ایادی خود در بیروت و عراق چشم غره هائی به جانب مقابل نشان داد، با تشدید مجدد جنگ استخباراتی در افغانستان، به طرف مقابل می خواهد بفهماند که وقتی قرار باشد جنگی در گیرد، هر دو طرف خواهند کوشید تا بهترین زمان و مکان را برای پیروزی خود تعیین نمایند و به همین منظور نیز خیل عظیم جواسیس "واواک" که در اداره مستمراتی در تمام سطوح جا خوش کرده اند، چند روز قبل از مسافرت سردسته غلامان "حامد کرزی" به تهران و دیدار با خابین و جنایتکار دیگری از قماش خودش احمدی نژاد، از طریق حمله بالای تلویزیون امروز و متوقف ساختن نشرات آن خواستند تا از جانبی خوش خدمتی خویش را به ارباب آخندی به اثبات برسانند و از طرف دیگر سردسته غلامان را نیز با دستاورد پر و تحفه های ارزشمند راهی دربار "پاپ تشیع" نمایند. باشد از آن طریق اگر بر معاشات شان به نسبت اوضاع فلاکت بار اقتصادی ایران افزایشی به عمل نمی آید حد اقل تقلیل نیز نیابد.

اساس مسأله در این است که هر سه طرف دعوا یعنی اداره مستمراتی کابل، باند محسنی و باند نجیب کابلی، هیچ یک از آنها به مردم و منافع مردم تعلق نداشته نه تنها تا مغز استخوان وابسته و میهن فروش اند بلکه عملاً با دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی و زبانی علیه وحدت افغانستان و برای تأمین منافع تجزیه طلبانه استعمار قدم و قلم زده تمام جوانب خابین و وطنفروش نیز می باشند.

به تعبیر دیگر همانطوریکه اداره مستمراتی محصول اراده مردم افغانستان نبوده و نیست و اداره ایست که به وسیله استعمار به وجود آمده و بقای آن نیز کاملاً منوط به ادامه تسلط استعمار در کشور می باشد، دو باند دیگر نیز به هیچ وجه از مردم افغانستان، از زبان آنها، از مذهب آنها و تعلقات قومی و ملیتی آنها نمایندگی ننموده به مثابه نوکران زرخرید امپریالیزم و ارتجاع در دشمنی خونین با مردم افغانستان و منافع تاریخی افغانستان قرار دارند.

کمتر کسی باشد که نداند رابطه و تعلقات "محسنی" با ایران و عربستان سعودی بر کدام محور چرخیده و چگونه در تقابل با منافع مردم افغانستان قرار دارد و به همین سان همه کس می داند که نجیب الله کابلی چه نوع روابطی با سفارت خانه های غربی به خصوص سفارت امریکا در کابل - بخوانید دفتر مرکزی سی. آی. ای در کابل- داشته و چطور با تکیه بر حمایت مستقیم استعمار از سه جناح سرمایه تفریحی "قمار، مواد مخدر و سکس" دو تایی اخیر آنرا در افغانستان سازماندهی نموده و در انحصار دارد که هرگاه نقش فراملیتی "ولی کرزی" نادیده گرفته شود، در رأس مافیای مواد مخدر و تقدیم خدمات جنسی به قوای اشغالگر می تواند اخذ موقعیت نماید.

از آنجائیکه در مقطع کنونی که کشور ما به وسیله امپریالیزم اشغال و سنگ سنگ آن هر روز شاهد جنایات قیاس ناپذیر قوای اشغالگر است و از مجموع تضاد های اساسی و تابع موجود در کشور، تضاد بین مردم افغانستان با اشغالگران امپریالیستی، تضاد بیست عمده و اساسی که حل آن در مقطع کنونی نسبت به تمام تضاد های دیگر اولویت دارد و هیچ فرد، سازمان، حزب و یا نهادی حق ندارد آنرا به درجه دوم انتقال دهد و هرگاه چنین امری آگاهانه صورت گیرد در خابین بودن همان فرد، سازمان، حزب و یا نهاد هیچ شکی نمی توان داشت، این دو جرثوم فساد و تباهی نیز خابین به کشور و منافع درازمدت آن بوده باید به شدت محکوم گردند.

یا به عبارت دیگر برای من نوعی که دست به قلم می برم و می خواهم از طریق نوشته خدمتی برای بقای کشور و بهروزی مردم آن انجام داده باشم باید تمام جوانب دعوا به مثابه عوامل ارتجاع و نوکران استعمار تشخیص و با زهر قلم، آن زمینه را به وجود آورم تا به حیات ننگین سیاسی آنها خاتمه داده شود.

اداره مستعمراتی کرسی به مثابه عامل مستقیم استعمار که تلاش دارد پیوند های مخفی ارتجاع و امپریالیزم را نیز آشکار ساخته و استخوان مردم افغانستان را در زیر پاشنه های سنگین طفل "خونخواری" که از پیوند ارتجاع و امپریالیزم به وجود می آید خرد و خمیر نماید، هیچ گونه حقی ندارد تا تبلیغات خاینانه خود را در زیر چتر آزادی مطبوعات به خورد مردم دهد، به همان سان باند محسنی و تلویزیون طلوع که سر در آخور ارتجاع تشیع و وهابیت همزمان دارد و با هرباریکه متصدیان آن دهن باز می کنند تعفن ارتجاع و عقب ماندگی را چنان پراکنده می سازند که با هزاران تن مُشک و عنبر نیز نمی توان آن بوی گند را از بین برد نیز حق ندارند با سنگر گرفتن در پناه آزادی مطبوعات تفرقه افکنی نموده استخوان شکنی ها را نهادینه بسازد. به مانند دوتای دیگر نجیب الله کابلی این خاین تازه به دوران رسیده نیز حق ندارد زیر نام آزادی مطبوعات با دامن زدن به جنگ شیعه و سنی و اختلافات مذهبی افغانستان واحد و تجزیه ناپذیر را به سوی تفرقه و شقاق سوق دهد.

به همان اندازه که آن باند ها حق ندارند خیانت شان را به مام میهن در زیر چتر آزادی مطبوعات به پیش برند، برای سایت های انترنتی و جراید نیز نمی توان هیچ ننگی سراغ گرفت که در مقایسه با حمایت از این باند ها ننگین تر به شمار آید. چه نباید فراموش نمود که حمایت از خاینان و میهن فروشان زیر هر نام و با هر انگیزه ای که انجام یابد، شرکت در عمل خاینانه و خود خیانت به شمار می آید.

و اما آزادی مطبوعات در افغانستان که علف نشخوار تمام میهن فروشان شده است تا زمانی می تواند مجاز باشد که علیه منافع ملی و تاریخی افغانستان سمت داده شده باشد یعنی در شرایطی که استعمار می خواهد بعد از ناکامی های متواتر سنتراتیویک با طرح تجزیه افغانستان، خلاف مردم افغانستان که به اعتراف خاینان تجزیه طلب آماده تجزیه و افتراق نیستند، بین طیف شبه روشنفکران استمراج نموده نوکران پروسه بعدی را از میان آنها دستچین نماید، تبلیغ به منظور ایجاد جنگ های مذهبی، قومی و زبانی همان ساحه هائیسست که مبلغین آن می توانند صد در صد از "آزادی مطبوعات" برخوردار باشند. مگر هیچ کسی حق ندارد بپرسد که امپریالیزم در افغانستان چرا آمده و چه می کند؟ هیچ کسی حق ندارد بپرسد که وقتی طالب را جنایتکار، تروریست، ضد زن و ضد دموکراسی می دانید چرا آگاهانه به تقویت آنها پرداخته و می خواهید آنها را مجدداً بر گرده های مردم سوار نمائید؟ و به همین سان هیچ کسی گفته نمی تواند چرا باید مردم افغانستان همه روزه به وسیله قوای اشغالگر به قتل برسند و حتا کوچکترین اعتراض آنها نیز با قساوت سرکوب گردد؟ و هیچ کس حق ندارد بگوید:

مرگ بر امپریالیزم! مرگ بر امریکا! مرگ بر اشغالگران! مرگ بر ارتجاع!